

نگاه‌خانه

درک اثر هنری از نگاه مخاطب عام گالری

ترانه‌سلطانی

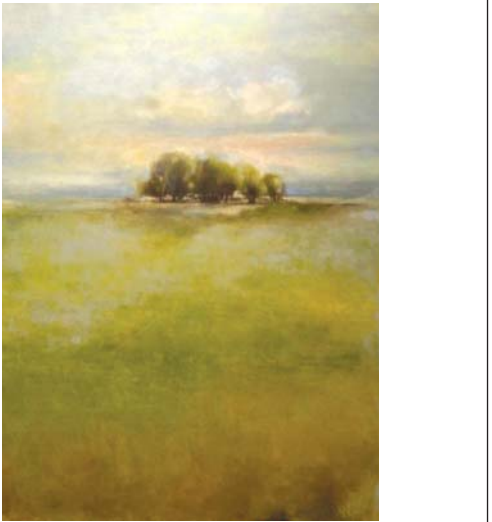
کاسیر معتقد است «اگر اثر هنری درخشان باشد، پس از مواجهه با آن نمی‌توان زندگی را مانند پیش نگریست؛ چراکه هنر افق دید آدمی را گسترش داده و این امکان را فراهم آورده تا انسان جهان و جای خود در جهان را به‌گونه‌ای دیگر بباید». هنر و زندگی همراه یکدیگر هستند و همان‌طور که از هم تأثیر می‌گیرند، بر هم نیز تأثیر می‌گذارند. هنر می‌تواند درچه‌ای برای کشف معنای زندگی باشد.

شاید هنر در نفس، امری معنوی باشد و ماهیتِ خلق و آفرینش در هنر آن را به امری والا بدل کند. اما همین ارتباط و همراهی هنر با زندگی علاوه بر جنبه‌های والای آن، مسئله مادی و اقتصاد هنر را نیز وارد این مقوله می‌کند. البته اقتصاد هنر هرگز در مقابل وجه معنوی هنر قرار نمی‌گیرد و ارزش‌گذاری روی هنر و خلاقیت هنری امری محال است؛ در عین حال نمی‌توان منکر اهمیت اقتصاد هنر به‌ویژه در جهان معاصر بود.

یکی از مسائلی روز در اقتصاد هنر پژوهش درباره چگونگی رفتار خریدار اثر هنری در فضای هنر معاصر است. آیا صرفاً زیبایی یک اثر هنری و دوست داشته‌شدن آن در نظر مخاطب عام می‌تواند منجر به خرید اثر شود؟ البته فاکتورهای بسیاری در خرید یک اثر هنری دخیل هستند و مجموعه عوامل بسیاری روی این فرایند تأثیر دارند. یکی از این عوامل می‌تواند میزان اثر هنری باشد. به منظور سنجش اهمیت این موضوع، پژوهش آماری کوچکی در بهار ۱۴۰۳ در گالری نگاه تهران شکل گرفت و از تعدادی از مخاطبان گالری خواسته شد در این آزمون پرسشنامه‌های شرکت کنند. در نهایت پرسشنامه ۳۰ نفر از افراد مورد سنجش قرار گرفت (در پرسشنامه میزان سواد هنری و آشنایی افراد با هنرهای تجسمی سنجیده شد و ۳۰ نفر که در این زمینه متخصص نبوده و صرفاً مخاطب عام گالری محسوب می‌شدند، انتخاب شدند).

در این پژوهش چهار اثر متفاوت لنداسکیپ انتخاب شد که آثار دسته‌هایی از طیف رنال تا آبستره را شامل می‌شدند. اثر اول یک منظره از منطقه‌ای به نام بند، اثر دوم یک طبیعت برفی، اثر سوم یک نما از تپه‌هایی مینی‌مال و اثر آخر یک منظره آبستره بود.

از مخاطبان خواسته شد به هر اثر جداگانه نگاه کرده و سپس به جملات توصیفی زیر امتیاز دهند. امتیازها از هفت که بیشترین امتیاز (کاملاً موافقم) تا یک که کمترین امتیاز (کاملاً مخالفم) لحاظ شد.



- این اثر زیباست.
- این اثر را دوست دارم.
- احساس می‌کنم که این اثر را درک کرده‌ام.
- حاضرمن این نقاشی را بخرم (بدون توجه به قیمت آن).

بر اساس تحلیلی که از پاسخ جامعه آماری حاصل شد، به نظر می‌رسد بین مورد پسند بودن اثر از لحاظ زیبایی (در معنای عام آن یعنی آنچه دیدنش موجب احساس رضایت و لذت شود)، دوست‌داشتن و درک اثر یا خرید آن ارتباط مستقیمی وجود دارد. به این صورت که هر چه اثر هنری از دید مخاطب عام زیباتر باشد و بیشتر درکش کند، احتمال خرید بیشتر است. این در مقایسه اثر رنال با آبستره به خوبی دیده شد؛ زیرا اثر رنال بالاترین امتیاز در هر چهار مورد را به نسبت اثر آبستره دریافت کرد. اما در مقایسه اثر دوم و سوم (این دو اثر ترکیبی از رنال و آبستره بودند) گزینه درک‌پذیر بودن اثر هنری نقش پررنگ‌تری را ایفا کرد؛ زیرا نقاشی منظره برفی که امتیاز بیشتری در درک اثر گرفت، تمایل بیشتری هم برای خرید دریافت کرد. این در حالی بود که مخاطبان تپه‌های مینی‌مال را زیباتر دیده بودند.

پس شاید بتوان این فرضیه را به این صورت عنوان کرد که هر چه فهم اثر هنری برای مخاطب عام بیشتر باشد، او تمایل بیشتری برای خرید دارد. و این فهم در آثار رنال بیشتر از آثار آبستره دیده شد.

این پژوهش صرفاً به بررسی این فرضیه می‌پردازد که درک اثر هنری توسط مخاطب عام می‌تواند روی فروش آثار به عنوان یکی از فاکتورهای مهم اثر بگذارد. البته که رنگ‌های به‌کاررفته در آثار، هنرمند اثر، ابعاد و دیگر ویژگی‌های هر نقاشی روی مخاطب خود تأثیر دارد و هرگز یک عامل منجر به تصمیم خرید اثر هنری نمی‌شود. همچنین در پژوهش‌های دیگری ارتباط معناداری بین سواد و موقعیت اجتماعی افراد با انتخاب یک اثر هنری دیده شده که معمولاً هرچه سواد و موقعیت اجتماعی فردی بالاتر باشد از تماشاای آثار آبستره به نسبت آثار رنال لذت بیشتری می‌برد و تمایل بیشتری به سمت آثار انتزاعی تر دارد.



موضوع درخت در ادبیات و هنر



گفت‌وگوبا امید خاکباز درباره تازه‌ترین نمایشگاهش «نام من درخت»

در ستایش تنهایی



حسین گنجی

من درخت» ارائه کرده است. امید خاکباز دارای مدرک فوق‌دیپلم نقاشی و لیسانس گرافیک بوده و مدرک ممتاز انجمن خوش‌نویسان ایران را کسب کرده است. برای اولین بار اثری از او در نمایشگاه گروهی هفت نگاه به نمایش درآمد (۱۳۹۴) و نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در موزه طومانیان ایروان ارمنستان برپا کرد (۱۳۹۵). از آن پس آثارش را در چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی به

تماشا گذاشته است. با او درباره درخت، چگونگی مواجه‌اش با درختان و ارائه آنها در قالب اثر هنری گفت‌وگو کردیم.

درخت‌ها، این موجودات عجیب، زیبا و همیشه در سکوت حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند. راز فصل‌ها را می‌دانند و شاید بتوان گفت مقاوم‌ترین ریشه‌های روی زمین را دارند. در یک عمر ایستادگی شان و در تنهایی همیشگی‌شان آن‌قدر زنده‌اند که همیشه در حافظه انسان جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. این روزها ۱۳ درخت تومنود که روی ۱۳ نقش شده‌اند، در گالری آتینن به نمایش گذاشته شده‌اند. امید خاکباز خالق این آثار می‌گوید طی چند سال گذشته در جالسی طولانی با موضوع درخت بوده و نتیجه این مواجهه را در « نام

در بخشی دیگر می‌نویسد: «در کنارم نه درختچه‌های دیگری

است نه علف‌های هفت‌برگ کویر و نه صخره‌ای، نه اشباح تیره و تاری که گاهی اوقات شبیه انسان و شیطان‌اند و نه در آسمان ابرهای پیچ‌وایچ نقاشی‌های چینی. تنها یک زمین، یک آسمان، یک من و یک خط آفق». و این همان تصویری بود که من از درخت‌هایم در ذهن داشتم. همین باعث شد نام نمایشگاه و اسیتیمنت را از کتاب آقای پاموک انتخاب کنم و به نظرم حتی نسبت به انتخاب قبلی‌ام به‌مراتب بهتر بود.

❖ در فرهنگ ایرانی همیشه درخت موجود مورد ستایش و توجهی بوده است؛ آیا سراغ مطالعه درخت در ایران هم رفتید؟

به نظرم گذشتگان به واسطه داشتن سبک زندگی نزدیک‌تر به طبیعت، از درخت و گل و گیاه و پیرامون رابطه عمیق‌تری داشته‌اند که در تمام ساحت زندگی خودش را نشان می‌داده است. از هیوط آدم و حوا-به‌خاطر خوردن یک سیب تا سرو کشمیر که سرو مقدس زرتشت و سرو آزاده هم نامیده می‌شده. درخت‌ها در زندگی انسان نقشی فراتر از زندگی امروز داشته‌اند. در مورد اول، درخت با میوه ممنوعه‌اش حیات انسان در بهشت را پایان می‌دهد و در مورد دوم، درختی آن‌قدر مورد تقدس است که به دستور خلیفه عباسی بریده می‌شود. شاید روزی به‌طور خاص سراغ نقوش و فرهنگ گذشته درباره درخت بروم، اما در این نمایشگاه می‌توانم بگویم گذشته را برای فهم بهتر موضوع تا حدی مطالعه کردم تا تصویر و تصور شخصی‌ام از مقوله درخت شکل دقیق‌تری پیدا کند. پاموک در همین بخش «نام من درخت» از زبان درخت بیان می‌کند که «می‌خواهم مفهوم درخت باشم تا خود درخت» و فکر می‌کنم من هم بیشتر چنین مسیری را دنبال کردم.

❖ و این را چطور در کارهای شما ببینیم؟

درخت‌ها کلا خاص و عجیب هستند و نمی‌توان آنها را ستایش نکرد. ما در تهران کمتر توجه‌مان به درخت‌ها جلب می‌شود. اما در تجربه‌های خلوت و تنهایی چند سال گذشته‌ام و هرازگاهی دورشدن از تهران، می‌دیدم که ده‌ها درخت تبریزی از دور شبیه هم هستند، انکار کپی بیست شده باشند، اما از نزدیک همه با هم فرق دارند و شکل و بافت و شاخ و برگ‌شان کاملاً با هم متفاوت است. درخت‌ها هم مثل آدم‌ها از دور شبیه هم هستند و نزدیک‌شان که بشوی، تشخیص آنها آدم را متحیر می‌کند و این به نظرم مفهوم درخت‌بودن را به خوبی نشان می‌دهد. اینکه چطور در کارهای من ببینید... هر مخاطبی می‌تواند از دریچه نگاه خودش موضوع را ببیند، اما می‌توانم بگویم که من چطور پیش می‌روم. هیچ طرح و اشلی

نگارخانه

چکیده‌ای در باب چالش‌های هنرمندان مستقل در دنیا استقلال هنری یا وابستگی مالی؟

راحله‌یوسفی

در دنیای هنر، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که هنرمندان با آن مواجه‌اند، حفظ استقلال هنری در برابر وابستگی به حمایت‌های مالی است. آزادی هنری که به معنای توانایی خلق آثار بدون تأثیرات و محدودیت‌های خارجی است، یک اصل اساسی برای هنرمندان به شمار می‌رود. هنرمندان اغلب به دنبال خلق آثار با استفاده از تخیل و احساسات خود هستند، بدون آنکه تحت تأثیر فشارهای مالی قرار گیرند. با این حال، این آزادی به‌ویژه در دنیای امروز که پروژه‌های هنری به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و پرهزینه‌اند، با واقعیت‌های مالی که هنرمندان برای تأمین منابع پروژه‌های خود با آن روبه‌رو هستند، در تضاد قرار دارد. این تضاد بین نیاز به تأمین مالی و حفظ آزادی هنری یکی از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که هنرمندان با آن مواجه‌اند و باعث می‌شود تا آنها بارها مجبور شوند بین نگاه‌داشتن اصالت هنری خود و برآورده‌کردن انتظارات مالی دست به انتخاب بزنند. این موضوع در مطالعه‌ای با عنوان «مسائل اخلاقی هنر و فرهنگ: راهبری دغدغه‌های اخلاقی؛ کارآفرینی هنری» از فستر کاپیتال به تفصیل بررسی شده است.

برای بسیاری از هنرمندان، تحقق ایده‌های خلاقانه و نوآورانه نیاز به تأمین منابع مالی درخور توجهی دارد. این منابع ممکن است از کمک‌های دولتی، حمایت‌های خصوصی یا پلتفرم‌های تأمین مالی جمعی تأمین شوند. با این حال، حمایت‌های مالی معمولاً با انتظاراتی همراه هستند که می‌توانند آزادی هنری هنرمند را محدود کنند. برای مثال، یک حامی مالی شرکتی ممکن است از هنرمند بخواهد تا برخی موضوعات یا ایده‌ها را در آثار خود برجسته کند یا پروژه‌ها را با برند خود هماهنگ کند. این انتظارات می‌تواند باعث انحراف از دیدگاه اصلی هنرمند و محدودشدن آزادی خلاقانه او شود.

این تضاد می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظاهر شود. هنرمندان ممکن است مجبور شوند رویکرد هنری خود را تغییر دهند تا انتظارات حامیان مالی را برآورده کنند، که این تغییرات می‌تواند پیام اصلی اثر را رقیق کند. علاوه‌براین حمایت مالی از صنایع بحث‌برانگیز مانند شرکت‌های سوخت فسیلی یا تولیدکنندگان تسلیحات، هنرمندان را در موقعیت اخلاقی پیچیده‌ای قرار می‌دهد. این نوع حمایت‌ها ممکن است با ارزش‌های اخلاقی هنرمند در تضاد باشد. هنرمندان برای مدیریت این چالش‌ها می‌توانند همکاری‌های استراتژیک با حامیان مالی که ارزش‌های مشترک دارند یا رویکردی اعتدال‌پذیرتر به فرایند هنری دارند، برقرار کنند. برخی هنرمندان به دنبال منابع تأمین مالی جایگزین مانند تأمین مالی جمعی هستند که می‌تواند احساس استقلال بیشتری ایجاد کند. اما حتی در این حالت، گفت‌وگو و هماهنگی مداوم با حامیان مالی ضروری است تا از تهدید آزادی هنری جلوگیری شود.

من در عرصه هنر استادی نداشته‌ام و فقط در نوجوانی مدت کوتاهی به‌صورت سنتی کلاس نقاشی رفته‌ام. در همان سن به خوش‌نویسی هم علاقه‌مند شده بودم و متوجه شدم جایی وجود دارد به نام انجمن خوش‌نویسان. به خیابان خارک رفتم و گفتند باید در کلاس‌ها ثبت‌نام کنم. چند کتاب تمرین گرفتم و برگشتم. قبل از اینکه با قلم تمرین کنم، خطوط را نقاشی می‌کردم و بیتی بود که به گمانم استاد امیرخانی آن را نوشته بودند و اتصالات سختی داشت. «سحر گنجشگان در جیک جیکند/ به تسبیح خدای لاشریکند». همیشه به این فکر می‌کردم که یک گنجشک چطور می‌تواند ذکر خدا را بگوید و بعدها خواندم که از دیدگاه عرفا همه موجودات ذکر خدا را می‌گویند. مثلاً سعدی می‌گوید «کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند/ نه همه مستمعی فهم‌کند این اسرار» یا مولانا می‌گوید «این درختان‌اند همچون خاکبان/ دست‌ها برکرده‌اند از خاکدان» و بی‌شمار مثال دیگر که نشان می‌دهد این موضوع پیشینه درازی در فرهنگ ما دارد. من نگاه عرفانی به موضوع نداشتم، اما این طرز نگاه را دوست داشتم و به دنبال ارائه‌اش با کلمه و مفهومی ساده و قابل فهم در آثارم بودم. چیزی که بتواند حالت تکرار و تکرار یک ذکر را هم در خود داشته باشد. این ویژگی‌ها را در «هوه» پیدا کردم. درواقع موضوع بیشتر برایم فرمال و فیگوراتیو بود و البته هیچ تصمصی ندارم که بگویم همیشه باید همین مسیر را بروم. شاید در آینده هو نویسم، شاید باز هم بنویسم، شاید اصلاً سراغ نوشتن حروف کلماتی ناخوانا بروم. درخت پاموک می‌گفت «می‌خواهم مفهوم درخت باشم تا خود درخت» و دوست دارم بگویم من هم می‌خواهم در پی مفهوم هنر و هنرمندانه نگریستن و خلق‌کردن باشم، نه خود هنر.

در نهایت، رابطه بین استقلال هنری و وابستگی مالی پیچیده است. هنرمندان باید به دقت منابع مالی خود را ارزیابی کرده و پیامدهای آنها را بر آزادی هنری خود بررسی کنند. ایجاد توازن میان این دو نیاز برای هنرمندانی که می‌خواهند اصالت خود را حفظ کنند، درحالی‌که با نیازهای مالی مواجه هستند، ضروری است.

